

تاریخچه قلاع میبد در گستره تاریخ

سیدمنصور امامی میبدی^۱

چکیده

میبد، شهری با سابقه تقریبی هفت هزار سال، از نمونه‌های نادر شهرهای باستانی ایران است. بسیاری از عناصر شهری قدیم، مانند: راه‌های باستانی و مؤسسات وابسته به آن، کهن‌دژ نارین قلعه و قلعه‌های تاریخی دیگر، شارستان و بیرونه‌های آن، آثار گسترش شهری قدیم و مساجد تاریخی، آب‌انبارها و کاروانسرای بزرگ شاه‌عباسی، یخچال باشکوه و بلند آن و مجموعه بناهای زیبا و تاریخی و سفال و زیلو و ده‌ها اثر زیبا و منحصر به فرد، با ارزش تاریخی زیاد می‌توان در آن مشاهده نمود.

شناخت و معرفی این بازمانده‌های نظام شهری قدیم، از جمله قلاع، دست‌کم به عنوان نمونه‌های عینی برای پژوهشگران خودی و خارجی قابل توجه است. با مطالعات و تحقیقات مفصل و جامعی که توسط باستان‌شناسان و پژوهشگران سازمان میراث فرهنگی و همکاری محققان بین‌المللی انجام شده و هنوز هم ادامه دارد، ثابت شده که قلاع میبد - به‌خصوص نارین قلعه - سابقه‌ای تا حدود هفت هزار سال دارد و آثار و سفالینه‌ها و شواهد متقن و محکمی در این زمینه پیدا شده و موجود است. تبیین فرضیه مطرح، بر مبنای روش تحقیق تاریخی و شیوه توصیفی - تحلیلی، با استفاده اسناد و آثار کتابخانه‌ای می‌باشد. روش تحقیق، کتابخانه‌ای و براساس منابع اسنادی، به صورت میدانی و حضوری و مشاهده آثار است.

^۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهیدان پاک‌نژاد یزد:

کلیدواژگان

میبد، کهن دژ، قلعه نارین، قلعه، شارستان، قلاع میبد.

مقدمه

قدیمی‌ترین سند هویت تاریخی و آغاز شهرسازی در سرزمین یزد، «نارین قلعه» میبد است. طبق اسناد و تحقیقات باستان‌شناسی که در پایگاه میراث فرهنگی میبد موجود است، قدمت آن به حدود هزاره پنجم قبل از میلاد می‌رسد. کوچه‌های دو و سه هزار ساله آن، معبر نسل‌های پیاپی و هزاران انسان گمنام، همچون: رشیدالدین، معین‌الدین، جای پای قاضی میرحسین‌ها، حائری‌ها و ده‌ها عالم و عارف و شاعر و هنرمند و اندیشمند بوده است که پروردگان همین خاک‌اند. هنوز دست‌های کوزه‌گران سه هزار ساله در کار و آفرینش است. پاسخ دقیق و دلنشینی که در یک پرس‌وجوی محلی، درباره در و دیوارهای شهر قدیم، از پیرمرد سالخورده و مطلع به تاریخ و هویت تاریخی این شهر، می‌توان شنید که سرشار از گمانی زیبا در این باره بود. وی می‌گفت: «نقشه و ساختمان این برج‌وباروهای پیچ در پیچ که گرد شهر می‌بینی، حساب و کتابی دارد. این پیچ‌وخم برج و دیوارها، خطوط و نقطه‌های «آیت الکرسی» است که برای حفظ جان مردم، در این بیابان، به دور آبادی کشیده‌اند!» سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا قلاع میبد، معرف واقعی قدمت چند قرن و چند هزار ساله شهرنشینی در این منطقه هستند؟ یعنی همان فرضیه محتمل که قلاع میبد، دنباله شهرنشینی و تمدن عظیم باستانی و قدیمی ایران‌اند. هدف این پژوهش، بیان نقش قلاع میبد در رشد تمدن و شهرنشینی در منطقه و حتی کشور است.

پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه تحقیق باید گفت در این موضوع، کسی به صورت مستقل کار نکرده یا حداقل بنده با وجود جست‌وجوی خیلی زیاد، موردی را نیافته‌ام؛ اما به صورت موردی و در کتاب‌های مختلف و مقاله‌ها و اسناد موجود، چه در سازمان اسناد ملی یزد و مرکز، اطلاعات خوبی وجود دارد. از جمله آثار دیگر، می‌توان به: کتاب یادگارهای یزد اثر مرحوم افشار، سیمای باستانی میبد اثر آقای پویا، آثار و منابع اصلی مثل کتاب معجم البلدان اثر یاقوت حموی و یا کتاب خوب جامع مفیدی اشاره نمود. البته نکته مهم این است که همه این موارد، به صورت پراکنده مطالب

موردی را بیان کرده‌اند که شایسته جمع‌آوری و تهیه و تدوین است و ما سعی نموده‌ایم این کار را در مقاله حاضر انجام دهیم.

در خصوص اهمیت این تحقیق، باید گفت میبد و نارین قلعه و قلاع دیگر، نقش بی‌بدیلی در رشد و تکامل جامعه مدنی و انسانی و رفع نیازهای این منطقه ایفا نمودند؛ از جمله کتاب‌هایی که آن هم نه از دید تاریخی، بلکه از نگاه فنی و ساختار معماری به شرح و توضیح قلاع میبد پرداخته است، می‌توان به کتاب ساختارهای دفاعی و مورفولوژی در بیرونه‌های ارگ میبد نوشته آقای علیرضا فلاح اشاره کرد. این کتاب، بیشتر به بیان ویژگی‌های معماری و ساخت این قلاع، آن هم به صورت محدود اختصاص دارد؛ اما به تاریخچه و کارکرد و ویژگی‌ها و سیر تاریخی آنها، کمتر پرداخته است. در زمینه نهادهای متولی فرهنگ و تمدنی مثل میراث فرهنگی و یا بخش‌های دانشگاهی، مخصوصاً دانشگاه‌های استان و میبد و نیز رشته‌هایی که سنخیت با این موضوع دارند، جای کار بسیاری وجود دارد؛ به عنوان نمونه، اکتشافات باستان‌شناسی زیادی هست که بایسته است در قلاع میبد صورت بگیرد. عمده دلیل انجام نشدن و یا بسیار محدود و مقطعی انجام شدن این مطالعات باستان‌شناسی که گاهی توسط کارشناسان و نهادهای متولی امر بیان می‌شود، مسائل پولی و مالی و یا سیاسی و امنیتی است. با شروع تحقیقات، ممکن است دست‌درازی‌ها و یا غارت‌گری‌ها و سوء استفاده‌هایی از کشفیات و دستاوردهای این اکتشافات صورت گیرد؛ درحالی‌که تا به حال با تحقیقات جزئی و محدود، برخی اشیا - به عنوان مثال - در نارین قلعه میبد پیدا شده است؛ از جمله، تصویر یک مجسمه را بنده در کتاب خودم تحت عنوان سیر تحول نساجی یزد از صفویه تا قاجار آورده‌ام. به اذعان کارشناسان، بعد از اثری که گریشمن در مورد نساجی آورده، کتاب نگارنده، دومین اثر در زمینه نساجی در جهان و اولین اثر در ایران است. در بخش تاریخچه نساجی در قبل از اسلام، آورده‌ام که قدمت بسیاری از اکتشافات نارین قلعه میبد، به هزاره پنجم پیش از میلاد می‌رسد؛ از جمله، مجسمه مذکور، شکل الهه‌ای است که دامن نساجی و پارچه‌ای پوشیده است. از این دست آثار، چند مورد پیدا شده که قطعاً آخری هم نیست؛ آثاری که نه تنها تاریخ و هویت این قلعه، بلکه سایر قلاع میبد و این شهر باستانی را معلوم می‌کند. گروه‌های باستان‌شناسی در قالب پایگاه پژوهشی میبد، پیوسته مشغول تحقیق و تفحص هستند؛ ولی نتایج آنها هنوز به جز در مواردی محدود، ارائه نشده است تا کامل و مدون شود. اخیراً این روند، سرعت گرفته است و مراکز بین‌المللی، مثل یونسکو هم کمک‌هایی در این زمینه می‌کنند.

میبد، از قدیمی‌ترین شهرهای جهانی به لحاظ معماری خشت

احتمالاً نام «میبد» که از سرداران یزدگرد معرفی شده، همان مهبود از سپهبدان قباد و انوشیروان است؛ چنان‌که نام آبادی‌های دیگری در فارس به صورت‌های: «میبد»، «میبدی»، «مهبودی»، «مهبد» و «مهبدین» در گذر زمان دگرگونی یافته است. دور نیست که واژه «میبد» با وجود آنکه خود نامی بامعناست، در اینجا ناشی از دگرگونی نام «مهبود» سپاهبد عصر ساسانی باشد و گسترش شهر میبد در عهد ساسانی، توسط همین سپهبد یا به گفته مورخان یزد، «سرهنگ» ساسانی صورت گرفته باشد (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۵۲؛ مشکور، ۱۳۶۶: ۸۵۴ و ۷۰۷؛ پویا، سیمای باستانی شهر میبد: ۱۸).

میبد، شهری در شمال استان یزد است که در مرکز جغرافیایی ایران واقع شده است. بنا بر پاره‌ای شواهد، میبد به عنوان یکی از نخستین مناطق یکجانشینی در مرکز ایران به‌شمار می‌رود. این شهر، در ۵ آذر ۱۳۹۷ به عنوان شهر جهانی زیلو انتخاب شد. موقعیت ویژه میبد در فلات مرکزی ایران چنان بوده که در کشمکش‌های داخلی اقوام ماد، پارس و پارت، میان مثلث قدرت‌های قبایل منطقه‌ای قرار داشته است و پس از تشکیل امپراتوری هخامنشی نیز به صورت پایگاهی در مرزهای پارس و ماد و به عنوان یکی از حلقه‌های اتصال ساتراپ‌نشین‌های اطراف بیابان عمل می‌کرده است. به علاوه، قراین و شواهد حاکی است که پس از هجوم اسکندر به ایران، تشکیل حکومت سلوکیان یکی از کلنی‌های نظامی آنان در این منطقه از خاک ماد استقرار یافته است. همچنین، میبد به سبب قرار گرفتن در کنار شاهراه باستانی ری به کرمان و نقش ویژه پاسداری از امنیت راه‌های بازرگانی ترانزیتی (گذری) در منطقه، مرکزی را پدید آورد (پویا، ش ۶۷-۱۰۳: ۷۶).

مورخان یزد همچنین، بنیاد چند آبادی دیگر میبد، از جمله: «فیروزآباد»، «مهرجرد» و «بیده» را به چند تن از شاهان و شاهزادگان و امرای ساسانی نسبت داده‌اند (کاتب، ۱۳۵۷: ۳۵، ۳۷ و ۴۲). تاریخ‌نگاران قدیم، قباد ساسانی را بانی آتشکده‌ای بزرگ در خاک میبد دانسته‌اند. احمد کاتب در توضیح نذر و نیتی که قباد برای برپایی یک آتشکده دانسته و گزارش اقدامات او در یزد، چنین ابراز داشته که او از مداین به فارس آمد و از فارس به اصفهان رفت و از اصفهان به یزد متوجه شد و گفت: همان بهتر که آن آتشخانه در اینجا بسازم. بفرمود تا بنایان را بیاوردند و در ولایت میبد قصبه‌ای کرد (یکی از معانی مشهور قصبه در قدیم، مدینه و شهر بوده است) و آتشخانه معتبر بساخت و از هفت آتشخانه بزرگ، بفرمود آتش بیاوردند (همان: ۳۸ و ۴۰).

«سکه‌های بازمانده از دوره «پوراندهخت» ساسانی است که در میبد ضرب شده و احتمالاً این امر در میبد - دست کم از لحاظ صنعتی - پیشینه‌ای داشته است (ملک‌زاده بیانی، سکه‌های دوران پوراندهخت، مجله بررسی‌های تاریخی، س ۴، ش ۱: ۳۴ و ۳۲).

نام «میبد» نیز به نوبه خود، مهر و نشانی از دوره ساسانی دارد. تا آنجا که می‌دانیم نام میبد (میبد) که از واژه‌های فارسی میانه است، در دوره ساسانی به این شهر اطلاق گردیده است (جعفری، ۱۳۴۷: ۱۳ و ۱۲؛ کاتب، ۱۳۵۷: ۳۵، ۳۷ و ۴۲؛ مستوفی باقی، ۱۳۴۰: ۲۱ و ۴). احمد کاتب، از میان روایاتی که درباره مدینه میبد وجود داشته، درست‌ترین گزارش را روایتی می‌داند که در آن بنای مدینه میبد به عهد پادشاهی قباد نسبت یافته است (کاتب، ۱۳۵۷: ۱۷). بعد از اسلام، میبد از جمله اولین شهرهایی بود که در زمان خلیفه دوم فتح شد و اوج تاریخ و شهرت این شهر، بعد از اسلام از زمان سلجوقیان شروع می‌شود. زمان جنگ‌های داخلی آل سلجوق (اواخر قرن پنجم) زمان محاصره شهر اصفهان توسط برکیارق، خطیر الملک میبدی وزیر سلطان محمد بن ملک‌شاه که گویا این جنگ خانگی را بیهوده می‌دانست، از دروازه‌ای که به او سپرده شده بود، اصفهان را ترک کرد و به شهر خود میبد رفت و در «دژ» آنجا پناهنده شد (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۱۷: ۳۱۰). یاقوت حموی در قرن هفتم، «بلد» میبد را از لحاظ شهرسازی با مشخصه «حصن حصین» معرفی کرده است (حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۴۱ و ۴۰). معین‌الدین معلم یزدی، نویسنده قرن هشتم که خود در دستگاه حکومتی آل مظفر بوده و در آن زمان در میبد به سر می‌برده، ضمن توصیف استحکامات دفاعی و خندق و برج و باروی میبد و فرازمندی قلعه شهر، می‌نویسد: «شیخ ابواسحاق اینجو، هنگام محاصره شهر میبد، بیست هزار سپاه جنگاور به در میبد آورده بود؛ ولی از تصرف شهرها عاجز ماند و ناگزیر با شاه مظفر آشتی کرد (معلم، ۱۳۲۶: ۱۹۰ و ۹۲).

معنای قلعه و کهن دژ با توجه به دائرةالمعارف و لغت‌نامه

قلعه به معانی ارگ، استحکامات، بارو، حصار، دژ، صرح، قصر، کاخ، کوت، کوشک و رخ است و برابر پارسی آن: دژ، کلات، بارو، درپشت، درپشت و دژ می‌باشد. در بررسی ساخت و سیمای شهر قدیم میبد، عناصر سه‌گانه را این‌گونه باز خواهیم شناخت:

الف. کهن دژ (نارین قلعه)؛ ب. شارسنان (شهرستان، محدوده حصاربست قدیم)؛ ج. بیرونه (آبادی‌های پیرامون کهن دژ).

کهن دژ یا قهندز، معمولاً نام قلعه‌ها یا دژهای کهنی است که در آغاز پیدایش شهرها برپا

داشته‌اند. این دژها غالباً در ادوار پیش از اسلام و بیشتر در عهد ماد و هخامنشی و اشکانی ساخته شده و ساختمان‌هایی منفرد و پرتراکم بودند که بر بلندی‌های طبیعی یا مصنوعی ساختند؛ به گونه‌ای که دور از دسترس قرار گیرند و دفاع از آن مسیر باشد. کهن‌دژها، به یک معنا همان است که در یونان باستان «اکروپولیس» یا «اکروپول» نامیده می‌شد و دارای همین مشخصات بود. این دژهای استوار، در واقع از نشانه‌های بروز یک تحولی اقتصادی - اجتماعی و جنگ‌های خانگی و نظام شهیدری در ایران قدیم به شمار می‌رود. کهن‌دژها غالباً هسته پیدایش شهرهایی شدند که مرکزیتی اداری - سیاسی داشته‌اند و اصولاً جایگاه پادشاه و درباریان و نظامیان و مغان و گاهی محل استقرار معابد و نگهداری خزاین و گنجینه‌های حکومتی بوده است (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۲۱۰).

موقعیت جغرافیایی و ترکیب ساختمان نارین قلعه

نارین قلعه را از آغاز بر فراز تپه بلندی برافراشته‌اند که بر تمام منطقه میبید اشراف دارد؛ به گونه‌ای که پیکر قلعه از فاصله‌های دور به صورت یک عنصر شاخص دیده می‌شده است. زمانی که شهرستان میبید ساخته شد، این کهن‌دژ در گوشه جنوب شرقی آن ساخته شده بود. نارین قلعه، به اقتضای نامش به صورت مجتمعی متراکم و محصور در دیوارهای بلند تودرتوست. این بنا، روی پنج اشکوب شکل گرفته است؛ البته طبقات، مشخصاً از هم جدا نمی‌باشد. چند فصیل و دربند، بخش‌های مختلف بالا و پایین قلعه را از هم جدا می‌کرده است. در واقع، نوعی شکل‌گیری منطبق و درهم‌آمیخته اماکن از کف تا بام ارگ می‌باشد (گزارش مستند معاونت پژوهشی میراث فرهنگی از میبید، مورخ اسفند ۱۳۶۸). نارین قلعه، به‌تنهایی دارای ارزش‌های تاریخی و جغرافیایی و معماری و شهرسازی، سیاسی و نظامی و مذهبی و اسطوره‌ای است. نویسنده ایران باستان، معتقد است که از لحاظ تاریخ معماری، اهمیت این بنا کمتر از تخت جمشید نیست (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۱۵۲؛ آدینه، علی، «نارین قلعه میبید، ساختار کالبدی کهن‌دژ به عنوان هسته اصلی شهر تاریخی»، مجله دانش مرمت و میراث فرهنگی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳).

برشی از نمای درب ورودی، برج نگهبانی بالای درب ورودی و قسمت شرقی از شاه‌نشین با توجه به شکل زیگوراتی قلعه، نشان می‌دهد که زمانی به عنوان یک مرکز مذهبی و معبد نیز مورد استفاده بوده است؛ اما وجود خندق‌های گود و دیوارهای عظیم و استحکامات ساختمان و باروهای تودرتو و موقعیت خوب دفاعی و فرازمندی و اشراف آن بر منطقه، بیشتر نشان‌دهنده

ویژگی‌های نظامی قلعه است. پژوهنده تاریخ ماد می‌گوید: دژهای مادی ساختمان‌های مستحکمی بودند که بر ارتفاعات و صخره‌های طبیعی و گاهی بر خاکریزها و تپه‌های مصنوعی می‌ساختند. گردگرد آنها، حداقل یک دیوار یا گاهی چند دیوار متحد‌المرکز (نارین قلعه) کشیده شده بود. در طول حصار، برج‌هایی به فاصله‌های معین تعبیه شده بود و سر برج‌ها، برای تیراندازی از کمان، کنگره‌دار بود. غالباً دژها را طوری می‌ساختند که خندق یا مسیر طبیعی رودخانه‌ای دفاع از آن را تکمیل کند (دیاکونف، ۱۳۴۵: ۱۷۶). در جبهه جنوبی و آفتابگیر نارین قلعه، نوعی از مساکن ابتدایی که در تن زمین کنده‌اند (بوکن = بوم‌کن)، به طور نامنظم در چند طبقه احداث شده که اهل فن با توجه به شکل سقف‌ها، آن را به دوره ماد متعلق می‌دانند. در طبقات دیگر بنا، خشت‌های «۴۰×۳۴×۱۰»، «۱۱×۲۸×۴۵» و «۳۷×۲۲×۱۰» سانتیمتر و قرآینی از معماری هخامنشی، اشکانی و ساسانی را به دست می‌دهد. پس از حمله اسکندر و تشکیل حکومت سلوکیان، این منطقه یکی از کلین‌های نظامی بوده است (پویا، ۱۳۶۹: ۸۵؛ گزارش مستند معاونت پژوهشی میراث فرهنگی از مید، مورخ اسفند ۱۳۶۸).

محمد شبانکاره‌ای، مورخ قرن هشتم، ساختمان کهن دژ مید یا دژدالان را سرآغاز بنای آبادی‌های یزد می‌داند. او می‌نویسد: «این، همان دژ سفید است که در شاهنامه از آن یاد شده است» (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۲۱۰). نویسنده منتخب التواریخ در قرن نهم هجری همین روایت را به گونه‌ای دیگر نقل کرده است (نطنزی، ۱۳۴۶: ۳۱۹). نویسندگان تاریخ‌های محلی یزد در قرن نهم، آن را به عهد سلیمان نبی علیه السلام منسوب داشته‌اند که به فرمان او و به دست دیوان ساخته شد. می‌دانیم که روایت‌های مربوط به حضرت سلیمان علیه السلام در تاریخ قدیم ایران بعد از اسلام، با روایت‌های جمشید در تاریخ افسانه‌ای ایران در هم آمیخته و ریشه‌هایی بسیار کهن دارد (برومند، ۱۳۶۸: ۱۱۷؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «دیو»). در این باره روایت احمد کاتب می‌نویسد: «اما قلعه را در زمان سلیمان پیغمبر - علیه السلام - ساختند. دال دیو، به این کوه گل رسید و به غایت قابل قلعه دید. جهت سلیمان علیه السلام خواست که قلعه بسازد، خبر سلیمان رسید، سلیمان فرمود که بر این پشته گل و سنگ، قلعه حصین دال دیو بسازد. دیو به فرمان سلیمان، قلعه مید بساخت. و بعضی خزائن سلیمان به آن قلعه نقل کردند و چون سلیمان وفات کرد، بوم لرزی پیدا شد؛ چنان که کوه‌ها از همدیگر بشکافت و خزینه‌ای که در این قلعه بود، در شکاف زمین محبوس شد... هیچ پادشاه این قلعه را به جنگ و لشکر نگرفته؛ الا کنده‌اند؛ همچنان سخت‌ترین قلاع است و او را قلعه دالان خوانند» (کاتب، ۱۳۵۷: ۴۰).

نقشه منظم شهرهای ساسانی، بیشتر به صورت شبکه مستطیل‌مانند با محورهای اصلی متقاطع و فرم چلیپایی بودند که خندق و حصارهای محکم آن را فرا می‌گرفت (دیتربیش، ۱۳۸۰: ۱۸۷). ابتدا و انتهای محورهای اصلی (شاهراه‌ها = شاهکوپه‌ها)، به چهار دروازه می‌رسید. در این دوره، براساس یک باور ایرانی، بر آن بودند که جهان چهار بخش دارد و شهرها را باید طوری بسازند که درهای آن به چهار سوی جهان گشوده باشد. این چهار سو را «چهار کوستیک» می‌خوانند. طرح گسترش شهر میبد در زمان ساسانیان، دارای همین ویژگی‌هاست (دیتربیش، بی‌تا: ۱۸۷). شبکه اساسی شهر در محدوده «شارستان» هنوز آشکارا قابل شناسایی است. در هنگام پی‌ریزی شهر ساسانی، کهن‌دژ «نارین قلعه» و دوباره از آبادی‌های قدیم‌تر (محلۀ کوچک) که در پیرامون کهن‌دژ بوده‌اند، در چهار دیواری شهر جای گرفت. از نارین قلعه تا رباط (دیوار جنوبی)، از رباط تا باغ شاهی (دیوار غربی)، از انتهای باغ شاهی تا دروازه کوچک (دیوار شمالی)، و از آنجا باز تا نارین قلعه دیوار شرقی، محدوده شهر ساسانی میبد بوده است. وسعت محوطه شارستان قدیم میبد، حدود یک میلیون متر مربع می‌باشد که در مقایسه با سایر شهرهای عصر ساسانی قابل توجه است؛ اما قلمرو آبادی و فعالیت‌های مردم میبد، محدود به دیوارهای شهر نبوده است. از پشت دیوار شهر به شعاع چند فرسنگ، آبادی‌های چندی در ارتباط با این مجموعه محصور، زندگی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگ منطقه‌ای میبد را سامان می‌داده‌اند (همان: ۱۸۸).

تمامی نارین قلعه را روی یک تپه برجسته رسی یا به گفته مورخان قدیمی یزد، روی «کوه گل» بنا نهاده‌اند. این تپه، به علت موقعیت ویژه‌ای که دارد، به گمان نگارنده، پیش از بنای قلعه نیز به عنوان مسکن (به شکل بوکن) یا نیایشگاه مورد استفاده‌باشندگان این منطقه قرار می‌گرفته است. برای پی‌ریزی بنای چند طبقه نارین قلعه، تپه زیربنای آن را با خندقی که در اطراف آن کنده‌اند، به صورت مکانی مجزا در آورده تا دفاع از آن میسر باشد. همچنین، قسمت‌هایی از بدنه این «کوه گل» را تراشیده‌اند تا بخش‌هایی از آن را به صورت شالوده برج و باروها و قسمت‌هایی نیز به عنوان بستر فضاهای مورد نیاز آماده سازند؛ چنان‌که پیداست، حتی از جدار عمودی کالبد پلکانی این تپه برساخته نیز برای تعبیه درگاه و کندن «بوکن‌ها» و دهانه راهروهای زیرزمینی قلعه سود جسته‌اند. در این بوکن‌ها هیچ پیرایه‌ای به چشم نمی‌خورد و از ظاهر آن برمی‌آید که حتی در و بست هم نداشته است. تقریباً تمامی این مجموعه متراکم را از خشت و گل ساخته‌اند و دیوارها غالباً به صورت «چینه»، و برخی خشت و گلی، و بعضی نیز خشت و گل و چینه توأم است. کلیه فضاها، محوطه‌ها، دیوارها و برج‌ها و دربندهای بنا، به تیرکش‌ها، روزن‌ها و جان‌پناه

مجهز است که با توجه به سایر ویژگی‌های دفاعی قلعه، نشان‌دهنده اهمیت نظامی آن در قدیم بوده است (مشکور، ۱۳۶۶: ۵۴، ۷۰۷ و ۸۵۴؛ کریستن سن، ۱۳۶۸: ۲ و ۳۸۰).

بخش اصلی و کهن قلعه، در قسمت فوقانی مجموعه واقع است. ظاهر بنا نشان می‌دهد که بارها تعمیر شده؛ اما کهن‌ترین بخش‌های آن، در پس تعمیرات تازه‌تر سالم مانده است. در این قسمت، آثار فرسودگی‌ها و مرمت‌های گوناگون از دوره‌های مختلف تاریخی مشاهده می‌شود و خوشبختانه همین مرمت‌ها، موجب حفاظت کهن‌ترین بخش بنا گردیده است. به نظر می‌رسد که محوطه‌های پایین‌تر را در دوره‌های جدیدتر ساخته‌اند. در حیاط مرکزی قلعه که اینک از خاک انباشته‌اند و زمین بازی شده، آثار ساخت‌وسازهای آجری و ساروج نیز مشاهده شده است (پژوهش سازمان میراث فرهنگی، اسفندماه ۱۳۶۸، منتشرشده در میراث فرهنگی میبید؛ اسفنجاری کناری، مجله اثر، پاییز ۱۳۸۴).

دیوار اصلی قلعه را روی یک پلان مدور (بیضوی) پی افکنده‌اند که گرداگرد آن را خندقی عریض فرا می‌گرفته است و بخش عمده‌ای از آن، هنوز باقی است. این خندق، جز در قسمت جنوبی، در بقیه جهات به اندازه‌ای وسیع است که در آن هنگام به احتمال زیاد به صورت میدان‌گاهی مناسب مورد استفاده‌های گوناگون از قبیل: تجمعات، مشق نظامی، اردوها و یا کاربردهایی چون بارانداز و... داشته است. درگاه اصلی قلعه در ارتفاع دو متری زمین در دیوار خارجی تعبیه شده بود. این دروازه، در بسیار محکم و مخصوص داشت که لولای آن در کف درگاه قرار می‌گرفت؛ به گونه‌ای که با زنجیر و قرقره‌های محکم باز و بسته می‌شد و هنگام باز شدن، روی سکوی مقابل به صورت «تخته پل» می‌خوابید و پیاده و سواره می‌توانستند از روی آن عبور کنند. متأسفانه، درگاه اصلی و دربندهای اول و دوم و بناهای جنوبی قلعه، در تبوتاب خیابان‌کشی و به علت ندانم‌کاری مسئولان در سال ۴۳ تخریب شده. این درگاه و دربندها، در مسیر خیابان اصلی میبید واقع شده است.

در و دالان اصلی قلعه، دارای برج نگهبانی و تأسیسات دفاعی ویژه‌ای بود؛ بدین ترتیب که علاوه بر روزنه‌ای مورب و افقی برای دیده بانی و تیراندازی، چندین سوراخ عمودی نیز در «سردرگاه» تعبیه شده بود که در صورت هجوم دشمنان به محل درگاه، پاسداران می‌توانستند با فرو ریختن آب داغ، روغن و آتش و... مهاجمان را از محوطه درگاه قلعه برانند. دربندهای طبقات بالاتر نیز همین‌گونه تجهیزات داشته‌اند. در پشت درگاه اصلی که در واقع دروازه قلعه بود، یک کریاس یا دالان نسبتاً بزرگ (حدود ۵۰ متر مربع) قرار داشت که سه درگاه کوچک‌تر از آن جدا

می‌شد. درهای سمت راست و چپ، به «فصیل» می‌رفت و تمام محیط دیوار دوم را دور می‌زد و درگاه روبه‌رو به مثابه‌ای دومین دربند، به محوطه بزرگ داخل قلعه گشوده می‌شد. در و درگاه و کریاس و تجهیزات آن، یک مجموعه دفاعی مستحکم و در واقع حساس‌ترین بخش دفاعی قلعه به شمار می‌رفت. محوطه بزرگ داخلی قلعه که می‌توان آن را حیاط مرکزی نامید، در پس دیوار دوم جای داشت و بسیاری از اماکن و فضای مورد نیاز ساکنان قلعه در آن قرار گرفته بود. این محوطه که حدود ده هزار متر مربع وسعت دارد، پس از ویرانگری‌های اخیر (سال‌های بعد ۴۰)، از خاک و آوارها انباشته شده که چند متر برآمده و از کف اصلی بلندتر شده و اینک به صورت زمین بازی در آمده است. چند طبقه از اماکن ویران شده قلعه، زیر همین زمین بازی مدفون گردیده است. اماکن این محوطه نیز از خشت و گل ساخته شده و برخی نیز به صورت «بوکن» در بدنه تپه رسی زیر بنای قلعه کنده‌اند که هنوز آثار بخشی از آنها در جبهه جنوبی بنا پیداست.

درگاه و دربند سوم در کنار دیوار شرقی محوطه وسیع داخلی قرار دارد و خوشبختانه هنوز نیمه ویرانه آن برجاست و از آنجا به دربند چهارم می‌رسد که درگاه‌های آن، به «فصیل» بعدی و محوطه‌های نسبتاً پُراهمیت ارگ در طبقات بالا گشوده می‌شود. بخش اصلی و گویا کهن‌ترین بخش بنای ارگ، به صورت یک مجموعه مکعبی در این اشکوب واقع است و خود شامل سه طبقه درهم‌آمیخته می‌باشد. برای رسیدن به طبقات بالاتر، باید راهرو فصیل را به سمت غرب دور زد. «دربند» پنجم قلعه، در دیوار غربی ارگ قرار دارد و قسمت‌های فوقانی یا به اصطلاح (شاه‌نشین) را از طبقات پایین جدا می‌کند. در این طبقه، اتاق‌ها و محوطه‌های نسبتاً پاکیزه‌ای ساخته شده که قاعدتاً مورد استفاده حاکمان بوده است. در بالاترین طبقه قلعه که هنوز بخش‌هایی از آن سالم مانده است، ایوانی رو به شمال گشوده که از این ایوان مشرف به شهر، می‌توانستند تمامی منطقه میبد تا چند کیلومتر را زیر نظر داشته باشند. این ایوان را در میبد، ایوان «شاه‌نشین» می‌نامند. گویا کهن‌دژها غالباً دارای چنین موقعیت و چشم‌اندازی بوده‌اند (جبهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۷).

گودی‌های شمالی دشت، بستر خشک یکی از دریاچه‌های باستانی است که در روند دگرگونی‌های آب و هوای این ناحیه اقلیمی در هزاره‌های اخیر از میان رفته است. نویسندگان متون تاریخی و جغرافیایی قدیم، دریاچه مزبور را «دریاچه ساوه» نامیده و گفته‌اند که میبد در کنار آن واقع بوده است (جعفری، ۱۳۴۷: ۱۳). درباره وجود قدیمی این دریاچه، سه منبع اطلاعات می‌شناسیم: نخست، خاطره‌ای تاریخی چند هزارساله نخستین باشندگانی است که زمانی در کنار

این دریاچه می‌زیسته‌اند و یادهای خود را سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعد سپرده‌اند. دوم، متون قدیم تاریخی و جغرافیایی. سوم، نتایج بررسی‌های جغرافیایی و ریخت‌شناسی زمین و زمین‌شناسی که در منطقه صورت گرفته است.

شیب تند جنوب به شمال که از شرق تا غرب ناحیه میبد دیده می‌شود، به نظر کارشناسان می‌تواند یک «فالز» یا «تراس» باقیمانده از دریاچه باستانی باشد (مهرشاهی، داریوش (۱۳۶۸)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، س ۵، ش ۱). توده‌های عظیم رس که در شکل یک امتداد شمال غربی - جنوب شرقی صفحات غرب و جنوب و شرق و مرتع‌های جنوبی میبد تا دامنه ارتفاعات شیرکوه، عرصه بوت‌زارها و مراتع و منابع آب سطحی و برخوردار از آب‌وهوای مساعدی بوده است که جماعت‌های اولیه به برکت آنها زندگی خود را سامان می‌داده‌اند. بنای آن را به عصار کهن و به دست «دیوان» نسبت می‌دهد. می‌دانیم که یکی از معانی «دیو»، نسبتی است که اقوام آریایی به بومیان سرزمین‌های تصرف‌شده خود می‌دانند (لغت‌نامه دهخدا، واژه «دیو»). ظاهراً مادها یکی از تیره‌های آریایی بودند که در آن روزگار این سرزمین را در تصرف خود داشتند. از دوره‌های باستان، یک شاهراه عمده که منطقه‌ای «ماد بزرگ» (جبال = عراق عجم) را به کرمان و ایران خاوری پیوند می‌داده، از کنار میبد می‌گذشته است. همچنین، راه‌های مستقل و کهنی به ایالت‌های باستانی: اصفهان، پارس و خراسان داشته که خود احتمال رفت‌وآمد تیره‌های چند گونه اجتماعی را مطرح می‌سازد. بنا بر پاره‌ای شواهد و روایت‌ها، با وجود دورافتادگی جغرافیایی، گهگاه جابه‌جایی برخی جمعیت‌ها نیز در میبد رخ می‌داده است (پویا، «میبد در آینه تاریخ»، ندای یزد، ش ۱۰۳: ۶۷).

حمدالله مستوفی (قرن هشتم هجری) در توصیف میبد می‌گوید: «میبد، شهری کوچک و دور قلعه آن، چهار هزار گام است» (مستوفی، ۱۳۹۶: ۸۴). این، در واقع، محیط محدوده حصاریست شهرستان بوده و امروز نیز قابل پیمایش است (حدود چهار هزار متر). معین‌الدین معلم یزدی که در قرن هشتم در میبد می‌زیسته، ضمن توصیف استحکامات دفاعی شهر، نوشته است که ساختمان شهر چند خندق و حصار داشته و شاه مظفر برج و باروی شهر را هرچند که محکم بود، باز مرمت نمود (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۱۹۲-۱۹۰؛ کتبی، ۱۳۸۵: ۵۵-۵۴). در این باره، نکته‌ای را روایت کرده‌اند که شنیدنی است: «... گویند که چون محمد مظفر مملکت یزد در تصرف گرفت، بارو خندق میبد مستحکم می‌کرد و مردم در زحمت بودند و شکوه می‌کردند. حاجی محمودشاه (فرزند شیخ دادامحمد) نزد محمد مظفر حاضر بود. گفت: چرا مردم را می‌رنجانی؟ محمد مظفر

گفت: عمارت خانه ایشان می‌کنم تا از دشمنان مصون باشیم. شاه شجاع حاضر بود. حاجی محمودشاه دست شاه شجاع بگرفت و گفت: وقت برسد که همین «چرخ الماس» شده و باور داشته‌اند که اگر کسی در کنار این چاه گوش فرا دهد، آوازگردش «چرخ الماس» خواهد شنید. می‌گویند این چاه، محل گنجینه‌های شاهی بوده و برخی نیز آن را زندان و سیاه‌چال می‌پندارند. افسانه‌ها و روایت‌ها هرچه باشد، این چاه یکی از قدیمی‌ترین آثار نارین قلعه است که به سهم خود درخور توجه و تحقیق می‌باشد. چاه مزبور، دارای ساختار ویژه‌ای است و صاحب‌نظران آن را به دوران بی‌تجربگی بشر در کندن چاه متعلق می‌دانند و می‌تواند از شواهد دیرینگی قلعه باشد. این چاه، به صورت چهارگوش کنده شده و ابعاد آن (۱/۳۰×۱/۳۰) متر است در کندن این گونه چاه‌ها، چاهکن به روش ایستاده و کمرخیز عمل می‌کرده و به فضای بیشتری نیاز داشته است؛ حال آنکه در کندن چاه گرد، چاهکن به صورت نشسته و دورانی چاه می‌کند و این روش، تازه‌تر و کم‌هزینه‌تر است. مقنیان یزد، چاه‌های نوع اول (چهارگوش) را «چاه کرانی» یا «چاه گوری» (گبری - زرتشتی = پیش از اسلام) می‌نامند. نگارنده سه نمونه از این گونه چاه‌ها را در ارگ «بم» و قلعه سی «خورمیز» (مهریز یزد) و شهدای کرمان دیده است.

موقعیت کنونی قلعه

خوشبختانه، هم‌اکنون هرساله قسمت‌های باز این قلعه، در حال بازسازی و تعمیر می‌باشد که اگر این روند ادامه داشته باشد، حداقل می‌تواند از قسمت‌های اصلی این قلعه و فرسایش آن نگهداری کند.

سایر قلعه‌های میبد

قلعه مهرجرد

این قلعه، در شمال شرق میبد و در غرب مهرجرد واقع شده است و با شماره ۴۱۳۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است و از بناهای دوره افشاریه و زندیه به شمار می‌رود. دارای چهار برج بلند و دروازه و معماری بسیار منحصر به فرد، شبیه ارگ بم؛ اما به مقیاس بسیار کوچک‌تر. این قلعه که در محله مهرجرد واقع شده، نمونه قلعه‌هایی است که در تمامی آبادی‌های منطقه میبد وجود داشته و تنها باقیمانده این قلعه‌ها در منطقه است. بنا دارای چهار گوشه و یک برج به عنوان درب ورودی در سمت جنوب است. خندقی که در حال حاضر چیزی

از آن باقی نمانده، چهار سمت بنا را محافظت می‌کرده است. فضای داخل، از یک کوچه به عرض ۲/۵ متر با هشت کوچه فرعی عمود بر کوچه اصلی ساخته شده است. در هر کوچه، اتاق‌هایی به ابعاد تقریبی ۳×۳ قرار دارد که ورودی به سمت کوچه یک متری دارد. بنا در سه طبقه ساخته شده و پله‌هایی ارتباط عمودی را تأمین می‌کند. در داخل اتاق‌ها، خمره‌هایی (تیو، به زبان محلی) قرار دارد که جهت انباشت آذوقه و غله مورد استفاده قرار گرفته است (در حدود دوپست اتاق در بنا قرار دارد). در کنار قلعه مهرجرد، آب‌انباری نیز با سه بادگیر به همان نام «آب‌انبار قلعه» وجود دارد که هنوز دارای آب است و از آن استفاده می‌شود. این آب‌انبار، دارای شانزده پله است.

مهرجرد، یکی دیگر از آبادی‌های قدیم مید است. نویسندگان تواریخ قدیم یزد، مهرجرد یا «مهرگرد» را منسوب به «مهرنگار»، دختر انوشیروان ساسانی و بنیاد آن را نیز مربوط به همان عصر دانسته‌اند (کاتب، ۱۳۵۷: ۳۵، ۳۷ و ۴۲؛ جعفری، ۱۳۴۷: ۱۳ و ۱۴؛ مصاحبه با حاج ابوالفضل آیت‌اللهی، پزشک مسنّ میدی آگاه به تاریخ محلی).

قلعه بارچین

قلعه بارچین، مربوط به دوره قاجار است و روستای بارچین، در شهرستان مید واقع شده و این اثر در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۸۲ با شماره ثبت ۸۵۴۹ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این قلعه، در شرق مید واقع شده و نمای بنای آن از خشت خام می‌باشد. هم‌اکنون توسط میراث فرهنگی کاملاً در دست تعمیر است (دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران، بایگانی‌شده از نسخه اصلی در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۵، بازبینی‌شده در ۲۰۱۱/۵/۱۹؛ مصاحبه با محمود ادیبان، مسئول میراث فرهنگی مید).

بارچین، اصطلاحاً بارگیر به معنای اسکله بوده است. بنا بر این معنا، می‌توان گفت که این منطقه، کنار رودخانه یا دریاچه‌ای واقع بوده است و برخی مورخان آن را همان دریاچه ساوه می‌دانند. امروزه لایه‌های رسوبی نیز که در برخی از جاهای دیگر آمده، مشخص می‌کند قطعاً این منطقه در کنار دریا واقع بوده است و نزدیک آن یک رودخانه قرار داشته است (مستوفی، ۱۳۹۶: ۱۵۵ و ۱۵۲). قلعه‌هایی مثل: بارچین، بشنیغان، رکن‌آباد، محمدآباد، فیروزآباد و محله قلعه آن، بفروتیه و غیره، قلعه‌هایی فرعی بودند؛ اما بعضی از آنها قدری بزرگ و عظیم بودند و از این نوع قلعه‌ها، بیشتر برای ذخیره‌سازی آذوقه و دفاع استفاده می‌شد.

قلعه رکن آباد

قلعه وزیر رکن آباد میبد به شماره ثبتی ۹۱۲۳، در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است و از بناهای شاخص این روستا به شمار می‌آید. با توجه به تاریخ ساخت مسجد و آب‌انبار جن آن به تاریخ ۹۲۷ هجری، به نظر می‌رسد تاریخ ساخت این قلعه هم این حدود باشد. این قلعه، در جنوب شرقی میبد واقع شده است و دارای چهار برج، حصار بلند و دروازه بسیار جالبی است که هم‌اکنون بازسازی میراث فرهنگی در آن شروع شده است. قلعه رکن آباد نیز همان طور که در بحث قلعه مهرجرد گفتیم، نمونه‌ای از قلعه‌هایی بوده که برای انبار آذوقه محلی و جلوگیری از مسیر راهزنان و تأمین امنیت ساکنان محل ساخته شده است (کاتب، ۱۳۵۷: ۴۱؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۲۲). قلعه بزرگ ده، متروک شده و ریگ آن را در بر گرفته و از لحاظ قلعه‌های گلین دشتی بناهای ساحل آن قابل توجه است.

قلعه محمدآباد

این قلعه نیز ظاهراً برای دفاع و انبار آذوقه مردم محلی ساخته شده بوده است. قلعه در جنوب میبد و در نزدیکی راه ترانزیتی جنوب به شمال کشور واقع شده است. سردر بلندش را که در برجی واقع است، بعداً طابقی کوتاه به آن اضافه شده است (افشار، ۱۳۵۴: ۱۲۳).

سایر قلعه‌ها

برخی از قلعه‌ها، یا کلاً اثری از آنها نیست و یا آثار کمی از آنها باقی مانده است که عبارت‌اند از:

قلعه کاظم آباد

اثری از آن نیست و آبادی آن نیز به طور کلی تخریب شده و فقط در برخی خاطرات محلی از آن نام برده شده است. در حال حاضر، مثنیعی در مورد آن پیدا نشده است.

قلعه حسن آباد

اثری از این قلعه وجود ندارد؛ اما به‌وفور در آثار تصویری و خاطرات محلی، از آن یاد شده است.

قلعه بشنیغان

نزدیک‌ترین بیرونه شهر قدیم میبد، محله بشنیغان است. این قلعه، نمونه‌ای گویا برای شناخت روند توسعه شهرسازی قدیم است. نام این «ربض» یا بیرونه را در اسناد محلی متأخر (بشنیغان = BASHNIGHAN) نوشته‌اند. در گویش مردم میبد، آن را محله «بشنیون» می‌خوانند. به گمان نگارنده، بشنیون یا «بشنیان»، نسبتی است که ساکنان قدیم به ساکنان اولیه این محل در پشت حصار شهر داده‌اند. «بشن» (BASHN) در فرهنگ مردم میبد، به معنای بدنه و جدار و دیوار و رویه اندام‌های قائم است. این واژه، مخصوصاً در مورد در و دیوار و ساختمان، بسیار به کار می‌رود. بشنیان می‌تواند (بشنی: منسوب به «بش» + ان جمع) نسبتی به ساکنان بشن بیرونی دیوار و دروازه شهر باشد؛ به‌ویژه آنکه کهن‌ترین محله این آبادی، «کنزی‌ها» درست در «بشن» یک تپه بلند، در کنار دیوار شهرستان قدیم بنا شده است. گفتنی است که در اسناد قرن هشتم یزد، از قناتی به نام «بشن‌آباد (وقفنامه ربع رشیدی، ۱۳۵۶: ۱۰۷) در میبد یاد شده و این نام، گمان نگارنده را درباره وجه تسمیه «بشنیون = بشنیان» و نسبت آن با «بشن» تقویت می‌کند. نام بشنیغان همچنین می‌تواند «بشنیگان» مرکب از بشنی + گان (پساوند نسبت) باشد؛ مانند: ده و دهگان، بازار و بازارگان (مصاحبه با سید علی نقیب الاشراف و حسن بابایی، از مطلعین محل).

قلعه فیروزآباد

فیروزآباد، کانون آبادی‌های شرقی میبد به شمار می‌رفته و یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین بیرونه‌های میبد بوده است. مورخان قدیم یزد، بنیاد آن را به عصر ساسانیان نسبت داده‌اند (کاتب، ۱۳۵۷: ۳۵، ۲۷۵ و ۲۸۴). آثار تاریخی به‌جای‌مانده در فیروزآباد، نشان‌دهنده اعتبار قدیم این آبادی و رونق کشاورزی، دادوستد و برخی صنایع، مانند: بافندگی، چیت‌سازی و غیره است. فیروزآباد، از دو مسیر با مرکز شهرستان ارتباط می‌یافته است که گذرهای اصلی بافت قدیمی آبادی، از ادامه این دو مسیر پدید آمده و فضاها در اطراف آن شکل گرفته‌اند: نخست، راهی است که از پیرامون شارستان «دروازه کوچک» را به «دروازه مزار» ارتباط می‌داده است. دوم، «کوچه دراز» است که از همین‌جا، گذر اصلی در بافت سنتی فیروزآباد آغاز می‌شود و به سمت شمال پیش می‌رود. این راه، در محل (بازار حاجی آغایی) توسط یک مسیر شرقی غربی به میدان «دریگ» می‌رسد.

قلعه بیده

بیده، از آبادی‌های بسیار کهن میبد است. در متون تاریخ محلی یزد، بنیاد آن را هم‌زمان با میبد دانسته و بانی آن را نیز شخصیتی نظامی معرفی کرده‌اند (همان: ۲۷۶). نام این آبادی را در اسناد مکتوب «بیده = BIDAHA» نوشته‌اند؛ اما مردم آبادی، این نام را در گویش «بیدا = BIDA» تلفظ می‌کنند. این روستا، در مدخل غربی میبد و بر کنار راه کاروان‌رو قدیم، روی تپه‌ای بلند نهاده شده و مشرف بر کشتزارهای شمال آبادی است. راه کاروان‌رو قدیم که همان شاهراه روی - کرمان است، از کنار شمالی تپه‌ها، یعنی میان مجموعه مسکونی آبادی و کشتزارها می‌گذرد. دو رودخانه عمیق، همانند دو خندق و حفاظ، در شرق و غرب آبادی واقع‌اند و جنوب آن را نیز با خندق «دست‌کنده»، از محوطه‌های اطراف جدا کرده‌اند بنابراین، کل مجموعه مسکونی بیده، موقعیتی بلند، محصور و دور از دسترس و دژگونه داشته است.

از سوی دیگر، ده دژ باستانی «بیده» که در منطقه نسبتاً ناامنی قرار داشته، قرن‌های متمادی از محدوده دژمانند خود خارج نگردیده بود و تا اوایل قرن اخیر، حتی یک خانه نیز در خارج از این محدوده نساخته بودند؛ یعنی می‌توان گفت در دوره‌های قدیم، قرن‌های متمادی هیچ گسترشی نداشته است؛ بدین لحاظ در دوره‌های گذشته، جمعیت اضافی آن به خارج از محل مهاجرت می‌کرده‌اند. در همان منطقه، حتی اماکن غیرمسکونی نیز تأمین نداشته است؛ چنان‌که آسیاب «کچلگ = KACHALOG» در غرب بیده، خود در واقع یک قلعه و «دژوار» است. حسن آباد که در همان ناحیه بنا شده، با اینکه یک آبادی نسبتاً نو بنیاد و مربوط به دوره‌های اخیر است، در یک چهار دیواری دژمانند طراحی و بنا شده که با دیوارهای بلند و چهار دروازه استوار محافظت می‌شده است. آثار یکی از آن دروازه‌ها، هنوز باقی است (همان).

قلعه شمس آباد

ظاهراً به نقل از افراد قدیمی که بسیار هم هستند، این قلعه، مخصوص نگهداری دام و انبار مواد کشاورزی بوده است و در تصویر پایانی این مقاله، مشخص است که اکثر دیوارهای این قلعه باقی می‌باشد. در منابع نیز از آن نام برده شده است (ربع رشیدی، ۱۳۵۶: ص متعدد).

قلعه بدرآباد

قلعه بدرآباد به شماره ۱۵۱۴۹ در فهرست آثار میراث ثبت شده است و قسمت‌هایی از آن جا مانده است. این قلعه، از آثار دوره آل مظفر می‌باشد. اهالی محل می‌گفتند قرار بوده عملیات

احیای این قلعه به بخش خصوصی واگذار شود و چندباری مسئولان برای احیای این قلعه آمده‌اند؛ اما هر بار به بهانه‌هایی از این کار سر باز زده‌اند (گزارش میراث فرهنگی میبد).

قلعه ده‌آباد

با توجه به ساختار و دوره احداث محله‌های ده‌آباد، قلعه در بافت محله پایین قرار داشته و در جبهه شمالی بافت در میان خندق بزرگی احداث شده بود. قلعه از نوع قلعه - انبار و تیپ واحد مطابق قلعه مهرجرد بوده و به گفته اهالی، دارای تزئینات و سردرپی مشابه آن بوده است. در مرحله نوسازی، این بنا تخریب گردیده و به مدرسه محله پایین تبدیل شده است (فلاح، ۱۳۹۱: ۲۷۶).

قلعه ده شیخی

مجموعه قلعه و کاروان‌سرا و خانه باغ ده شیخی، در انتهای بافت مسکونی ده شیخی که در راستای محور قنات ده شیخی از بدرآباد تا شمس‌آباد توسعه خطی داشته، شکل گرفته است. اراضی جدید با ساختار شطرنجی و مطابق کروکی اولیه طرازآباد احداث شده و توسعه یافته‌اند. مجموعه قلعه ده شیخی، دارای عناصر دفاعیه اولیه بوده و کم ارتفاع است. کالبد مجموعه خشتی، فاقد هرگونه تزئینات می‌باشد. بخشی از این مجموعه تخریب شده و قلعه و سایر فضاها، در نزدیکی محور سنتو قرار دارد (همان).

قلعه آسیاب کچلگ

مجموعه کچلگ، خارج از کلیه اراضی و بافت‌های مسکونی و در میان بیابان غربی بنا شده است. این مجموعه، از تأسیسات میبد در راه کاروان‌رو غربی منطقه بوده است. استقرار کاروان‌ها در قبل از ورود به میبد با توجه به وجود پنج رودخانه در مسیر، در مواقع ضروری این مجموعه را رونق بخشیده است. مجموعه کچلگ، دارای تمام عناصر مانند کاروان‌سرا، آسیاب و سایر خدمات است. به علت عدم پیوند با شهر، دارای عناصر دفاعی مستقل بوده و تمامی ساختارهای دفاعی، در بناهای این مجموعه وجود دارد (همان: ۲۷۷).

قلعه بفروئیه

قلعه بفروئیه، در محل قلعه و بعد از دربند میدان قلعه کنونی در جبهه شمالی بافت بفروئیه و در میان خندق بزرگی که از آب قنات باغستان و بفروئیه پُر می‌شده، قرار داشته است. این قلعه،

متناسب با جمعیت و دوره ساخت، جزء بزرگ‌ترین قلعه‌ها و مشابه قلعه بشنیعان بوده است. بنا دارای شش برج در کناره‌ها و یک ورودی سمت غرب رو به دربند میدان قلعه بوده و پلان آن، مشابه سایر قلعه‌های میبد است (همان: ۲۵۷).

قلعه محمودآباد

قلعه محمودآباد، در کنار مرکز محله اصلی و مسجد جامع واقع شده است. این بنا ترکیبی از قلعه‌های متراکم و قلعه حیاط مرکزی می‌باشد. بنا در دو و سه طبقه حد فاصل دیوار اصلی و چهار برج در گوشه‌ها با سردر اصلی به سمت مسجد جامع بنا شده است. پوشش‌های مجموعه، متنوع و از طاق‌های دوره صفوی و قبل از آن با کالبد کاملاً خشتی می‌باشد (همان: ۲۶۱).

قلعه سپیدندوشن میبد

این قلعه، روی تپه‌ای سنگی در منطقه‌ای به همین نام قرار دارد و از خشت و گل و سنگ سفید ساخته شده و مشتمل بر دو طبقه ساختمان است که در چهار گوشه آن، برج‌هایی برای نگهبانی طراحی شده و قدمت آن، به اوایل دوره افشاریه برمی‌گردد (فقیه بحر العوم، ۱۳۹۴: ۴۷).

قلعه موسی خان

گونه‌ایی از قلعه انبارها، در یک طبقه بنا شده است. این بناها، دارای راهروهای عمود بر هم با رعایت سلسله‌مراتب دسترسی از ورودی می‌باشد. اغلب این بناها، در اراضی کشتخوانی شرقی و غربی میبد که فاقد بافت مسکونی بوده‌اند، احداث شده است. بیشتر، دارای ساختار خشتی و فاقد تزئینات بوده، در راستای انباشت و حفاظت از تولیدات باغی و کشتخوانی مورد استفاده بوده است (فلاح، ۱۳۹۱: ۲۷۳).

نتیجه‌گیری

میبد، به عنوان یکی از مناطق کهن و تاریخی کشور، اصالت و هویت مخصوص به خود دارد که این هویت، تا به حال نیز در این شهر کاملاً مشخص و مشهود است. متأسفانه، بسیاری از قلعه‌های این شهر از بین رفته است. این امر، دلایل متعددی دارد؛ مثل عدم آگاهی بعضی و بی‌توجهی مسئولان امر به این آثار منحصر به فرد که در حال حاضر، فقط با عکس و با خود خاطره‌ای بیشتر از آنها و با اشاره کوتاه یک نویسنده در مورد آنها مطلبی نداریم.

کهندژ نارین قلعه، با عظمت چندین هزار ساله خود، نمونه‌ای از عظمت تاریخی این شهر می‌باشد. دیوارهای عظیم شاه‌نشین جالب این قلعه، تنورهایی که در چندین جای این قلعه در ارتفاع نصب شده برای تهیه نان، خندق‌هایی که برای دفاع از دشمن داخل آنها آب جاری می‌کردند و برج‌های نگهبانی، بوکن‌های آن و ده‌ها مورد دیگر که در این امر منحصربه‌فرد قابل مشاهده است و به قول مرحوم پیرنیا اثری که می‌توان معادل تخت جمشید از آن نام برد. این آثار، هویت و شناسنامه مردمی است که روزگاری صاحب تمدن و عظمت تاریخی بودند؛ روزگاری که بسیاری از جوامع و کشورهای امروزی، حتی نامی از آنها نبود. ما به عنوان نسل کنونی وظیفه داریم به شکل زبانی و عملی، در حفظ حداقل آثار و ظواهر این تمدن‌ها و هویت‌های ملی خودمان، نهایت تلاش و سعی خودمان را بکنیم؛ مخصوصاً ما متخصصان تاریخ که مسئولیتی مضاعف داریم.



منابع

الف. فارسی و عربی

- آدینه، علی (۱۳۹۳)، «نارین قلعه میبد؛ ساختار کالبدی کهن دژ به عنوان هسته اصلی شهر تاریخی»، مجله دانش مرمت و میراث فرهنگی، پاییز و زمستان.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۰)، الکامل، جلد ۱۷، ترجمه علی هاشمی حائری، تهران: انتشارات علمی.
- اسفنجاری کناری، عیسی (۱۳۸۴)، «مطالعه و پژوهش مسجد جامع ده نو میبد»، مجله اثر، پاییز.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۴.
- اطلاعات آقای حاج ابوالفضل آیت‌اللهی، پزشک مسن میبدی و از مطلعین تاریخ و فرهنگ میبد.
- اطلاعات آقایان سید علی نقیب الاشراف و حسن بابائی، از مطلعین تاریخ و فرهنگ میبد، و اسحاقیه، کارشناس میراث فرهنگی یزد.
- افشار، ایرج (۱۳۵۴)، یادگارهای یزد، تهران: انجمن آثار ملی.
- برومند سعید، جواد (۱۳۶۸)، انگشتی سلیمان، تهران: پازنگ.
- پویا، سید عبدالعظیم (۱۳۶۹)، زندان سکندر از نگاهی دیگر، یزد: انتشارات اداره ارشاد.
- ، میبد در آئینه تاریخ، ندای یزد، ش ۱۰۳: ۶۷، مطالعات فرهنگی.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۴۷)، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸)، اشکال العالم، مترجم علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵)، معجم البلدان، جلد ۵، بیروت.
- «دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر»، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران، بایگانی شده از نسخه اصلی در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۵، بازبینی شده در ۲۰۱۱/۵/۱۹.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۰ و ۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.

دیا کونف (۱۳۴۵)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
دیتیش، هوف (بی تا)، شهرهای ساسانی؛ مجموعه نگاهی اجمالی به شهرسازی، به کوشش
یوسف کیانی.

رضویان، محمدتقی (۱۳۶۰)، شهر میبد (بررسی‌های اقتصادی - اجتماعی)، دانشگاه شهید
بهشتی.

سید رکن‌الدین (۱۳۶۵)، جامع الخیرات، یزد: اداره کل حج و اوقاف.
شبانکاره‌ای، محمد (۱۳۶۳)، مجمع‌الأنساب، ویرایش میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، انتشارات امیرکبیر.
فضل‌الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۵۶)، وقفنامه ربع رشیدی، به کوشش مینوی افشار، انجمن
آثار ملی.

فلاح، علی رضا (۱۳۹۱)، ساختارهای دفاعی و مورفولوژی در بیرونه‌های ارگ میبد، انتشارات
امیرسید علیزاده.

کتبی، محمود (۱۳۸۵)، تاریخ آل مظفر، ویرایش عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
کریستین سن، آرتور (۱۳۶۸)، اران در زمان ساسانیان، مترجم رشید یاسمی، دنیای کتاب.
کاتب، احمد (۱۳۵۷)، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
گزارش اسفندماه سال ۱۳۶۸ میراث فرهنگی کشور در مورد نارین قلعه.
گفته‌های خانم دکتر شیبانی، مسئول پایگاه پژوهشی میراث فرهنگی میبد، و آقای کشاورز،
مسئول و کارشناس میراث فرهنگی میبد.

مستوفی، حمدالله (۱۳۹۶)، کامل دانشنامه نزهةالقلوب، تصحیح میرهاشم محدث، تهران:
سفیر اردهال، چاپ اول.

مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۴۰)، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران: کتابخانه
اسدی.

مشکور، محمدجواد (۱۳۶۶)، تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران: دنیای کتاب.
مصاحبه با محمود ادیبان، مسئول میراث فرهنگی میبد (۱۳۹۷).

معلم یزدی، معین‌الدین (۱۳۲۶)، مواهب‌الهیذ، به کوشش سعدی نفیسی، تهران: اقبال.

ملک‌زاده بیانی، «سکه‌های دوران پوراندخت»، مجله بررسی‌های تاریخی، س ۴، ش ۱.

مهرشاهی، داریوش (۱۳۶۸)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، س ۵، ش ۱.

نطنزی، معین‌الدین (۱۳۴۶)، منتخب التواریخ، با کوشش ژان اوین، تهران.

ب. انگلیسی

1. Ibn Ahiyar, Ezzedin Ali (1370) Al-Kamal, Volume 17, Translation, Ali Hashemi Haeri. , Tehran, Scientific publication.
2. Jafari, Jafarin Mohammad bin Hasan (1347) History of Yazd, in an effort, Iraj Afshar, Tehran, Translating and Publishing Agency.
3. Jihani, Abolqasem ibn Ahmad (1368), Shah al-Aalam, Mentally Ali bin Abdul-Salam Kitab, with the introduction and comments of Firouz Mansouri.
4. Hamoi, Yagut, Yagut bin Abdullah (1995) Mojtaba al-Baladan, Volume 5, Beirut.
5. Seyyed Rokn al-Din (1365) Jame al-Khairat, Yazd, Directorate of Hajj and Endowments.
6. Shaban Kara'i, Mohammad (1363) Assembly of Al-Ans, Tehran, Amir Kabir Assembly, ed., Mirhashem Mohaddesi.
7. Fasa'ei, Haj Mirza Hasan (2003) Naseri University, Amir Kabir Publications.
8. Fazlullah Al Hamdani, Rashid al-Din (1356), endowment of the Quarter of Rashidi, in an effort, Minois Afshar, National Writers Association.
9. Written, Mahmoud (2006) History of Al Muzaffar, edited by Abdolhossein Novei, Tehran, Amir Kabir.
10. Kateb, Ahmad (1357) New History of Yazd, By Ihrj, Iraj Afshar, Tehran, Amir Kabir.
11. Mostofi, Hamdollah (1396) Full text of the Encyclopedia of Nausea Al-Kahlub, Correction.
12. Mirhashem Mohaddes, Tehran, Amirharadal, First Edition

Mostofi Bafghi, Mohammad Mofid (1340) Mofidi Forward, By Ihr Afshar, Tehran, Asadi Library.

13. Yazdi's teacher, Muin al-Din (1326), Mu'aw al-Hayed, in an effort, Sa'di Nafisi, Tehran, Iqbal.

14. Natanzai, Moin al-Din (1346) Elected by al-Tawaryakh, with the efforts of Jean-O'Bon, Tehran Research resources.

15. Afshar, Iraj (1354) Yazd Memorials, Tehran, Association of National Works.

16. Boroumand Saeed, Javad (1368) Singer Ring, Tehran, Pajang.

17. Pooya, Sayyid Abdul-Azim (1369) Skeetdar Prison from Another View, Yazd, Guidance Publications.

18. Dekhoda, Ali Akbar (1330 and 1377), Dekhoda Dictionary, Tehran University.

19. Diana Konf, Date of Med (1345) Translation, Karim Keshavarz, Tehran, Book Publishing and Publishing Company.

20. Dietrich, Hoff, (Beyond) Sassanid Cities, A Brief Look at Urbanism, by Yousef Kayani.

21. Encyclopedia of the history of Iranshahr architecture, Iran Cultural Heritage and Tourism.

22. Organization. Archived from the original on October 23, 2015. Revised on 19/5/2011.

23. Razavian, Mohammad Taghi (1360), Every Meybod (socioeconomic studies), Shahid Beheshti University.

24. Christine Sain, Arthur (1368), Aran at the time of Sasanian, translator Rashid Yasemi, World of Books.

25. Magazines and articles: Adineh, Ali, Narin Ghale Meybod, Ancient Formation of the Fortress as the Core of the Historical City, Journal of Restoration of Knowledge and

Cultural Heritage, Autumn and Winter 1393.

26. Isfahan, Isa, Study and Research of Jame Mosque of De Nou Meybod, Effect Magazine, Autumn 2005.

27. Ashraf, Ahmad (1353) Historical Features of Urbanization in Iran, Social Sciences Letter. Volume 1, Issue 4.

28. Dynamic, Seyyed Abdul Azim, Meybod In the Mirror of History, Call of Yazd: 103-67.

29. Maskour, Mohammad Jawad (1366) Political History of the Sasanians of Tehran, Book World.

30. Malekzadeh Bayani, Coins of the Poorandadvn Period, Journal of Historical Studies, Q4. 1.

31. Mehrshahi, Dariush (1368) Quarterly Journal of Geographic Research, vol. 1.

32. interviews: Information by Mr. Haji Abolfazl Ayatollahi Meybodi Ms.

33. Information by Mr. Seyyed Ali Noqib al-Ashraf and Hasan Baba'i, and Ishaghiyah, Yazd Cultural Heritage Expert.

34. Report of March 1368 on the cultural heritage of Narin Castle.

35. Ms. Shi'bani and Khezavarzoo's words and authorities and experts in the cultural heritage of Meybod.

36. Interview with Mahmoud Adiban is responsible for cultural heritage.

37. Seyyed Mansour Emami Meybodi Ph.D. in History (Iran Islamic Course) Professor and Faculty.

38. Member of Islamic Studies Department of Farhangian University (Camp Ashdod of Yazd) Yazd-Meybod-e Shahid Beheshti-k Spring 2-Home Seyed Mansour Emami Meybodi.

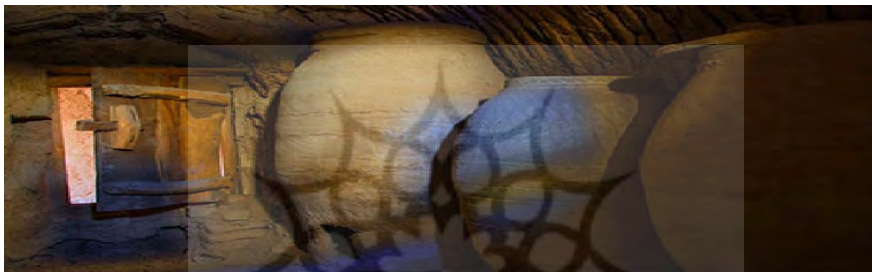
نقشه هوایی از مید



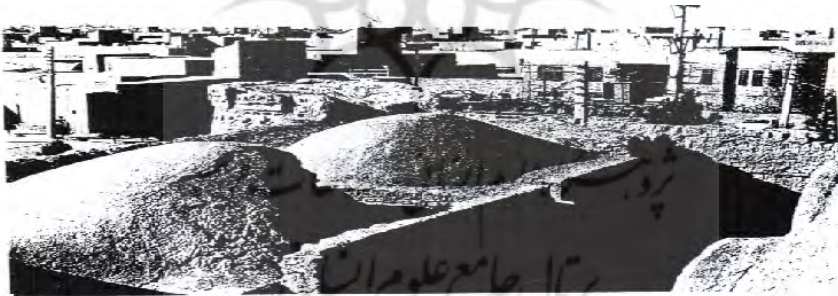
تصاویر قلعه‌های مید
* نارین قلعه مید



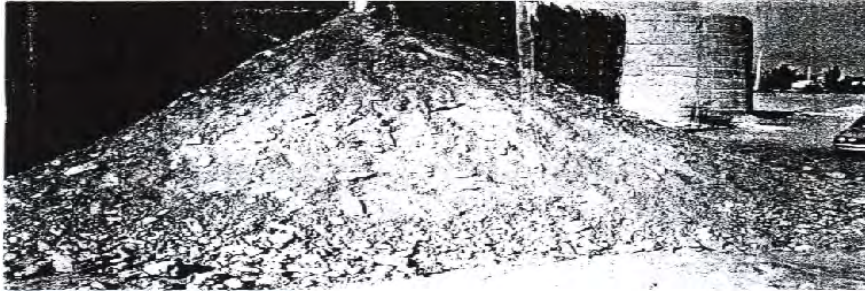
* قلعه مهرجرد / نمایی از ورودی، ضلع شرقی و غربی قلعه مهرجرد



* قلعه بارجین / نمای بیرونی و درونی از قلعه رکن آباد



* قلعه محمدآباد



قلعه‌هایی تخریب شده یا از بین رفته
* قلعه کاظم آباد



* قلعه حسن آباد



* قلعه بشنیغان



* قلعه فیروزآباد



* قلعه بیده



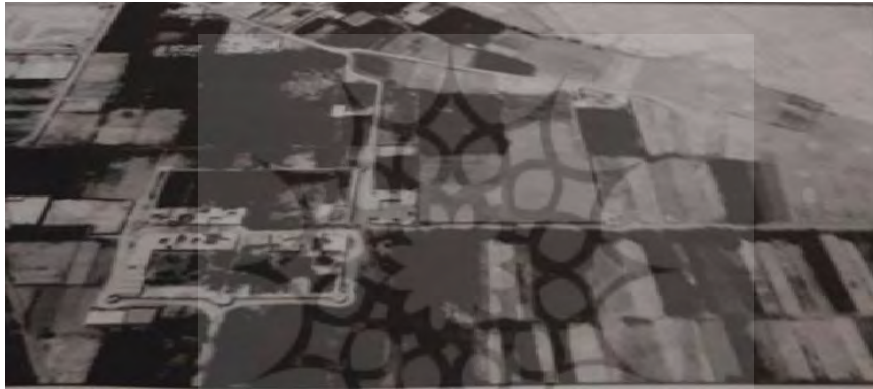
* قلعه شمس آباد



تاریخچه قلاع مید در گستره تاریخ ۶۷



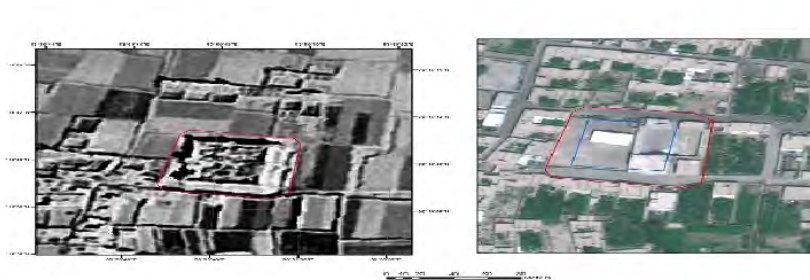
* قلعه ده شیخی



* قلعه آسیاب کچلگ



قلعه بفرۆئیه



* قلعه محمودآباد



* قلعه سپید ندوشن میبد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی